

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خلاصه نویسی کتاب چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا ص

استاد راهنما: حجت الاسلام مهدی احمدی

نویسنده: رضا جعفری زاده

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

یکی از واجبات دین اسلام نماز است و مسئله نماز جماعت در دین اسلام اهمیت ویژه ای دارد در مورد نماز جماعت در زمان پیامبر بحثی مطرح است که باوجود پیامبر ابوبکر به جای پیامبر نماز خوانده اند ما در این مقاله که تلخیصی از کتاب چگونگی نماز ابوبکر به جای پیامبر آیت الله میلانی است به بررسی تلخیص وار این مطلب پرداخته ایم

در این مقاله روش تحقیق و کار ما تلخیص و رجوع به کتابخانه و کتابخانه ای بوده است هدف ما بررسی احادیثی با همین مضمون بوده که برای این مدعا اهل سنت ارایه داده است با بررسی هایی که انجام شد به نتایجی دست یافتیم از جمله اینکه احادیث از حیث سند ضعیف بوده و گاهی با هم تعارض داشته اند و با هم تفاوت‌هایی مفهومی داشته اند

کلیدواژه

نماز ابوبکر - در کلام مسلم - بررسی سند حدیث - اهمیت بحث و حدیث - بخاری و حدیث -

مقدمه

با بعثت پیامبر. دین مورد نیاز بشریت کامل و به بشر عرضه گردید دینی که تمام مباحث و مسایل فردی و اجتماعی و سیاسی را برای بشر در دل خود دارد یکی از مباحثی که در دین اسلام اهمیت خاص دارد و به آن به طور ویژه پرداخته شده است بحث عبادات فردی و اجتماعی است که کوچکترین مطلب در مورد هر عبادتی بیان شده است طبق روایات پیامبر ستون و قائمه دین اسلام نماز است که پیامبر اهمیت ویژه ای برای نماز قائل بودند و علی الخصوص بحث نماز جماعت در کلام پیامبر بسیار مطرح شده و یکی از دستورات موکد اسلام بحث نماز جماعت است که جزو شعایر الهی بوده و شکوه و عظمت اسلام را می رساند در بحث نماز جماعت یکی از مباحثی که اهل سنت مطرح می کنند بحث نماز جماعت ابوبکر در زمان پیامبر و باوجود پیامبر ص است که ادعا می کنند ابوبکر نماز جماعت خوانده و پیامبر همراه پیامبر بوده اند و امام جماعت جناب ابوبکر بوده اند و این را فضیلتی برای جناب ابوبکر بر شمرده اند

آیت الله میلانی این بحث مهم را در کتابی به نام چگونگی نماز ابوبکر بر رسول خدا گردآوری نموده و بیان کرده اند

هدف ما در این مقاله بررسی این حدیث از حیث سند و مفهوم و محتوا بوده است و برای این هدف کتب رجالی و کلامی و حدیثی و تاریخی مورد تحقیق قرار گرفته است

که پس از بررسی به این نتیجه رسیدیم

که اولاً این حدیث از حیث سند ضعیف است

و نیز محتوا و مفهوم آن مشکل دارد

این نوشتار تلخیصی از کتاب محکم آیت الله میلانی بر رد این ادعای اهل سنت است

مقاله و تحقیق ما بصورت تلخیصی بوده و نیز برای تبیین بیشتر مطالب به کتابخانه مراجعه شده است و می توان گفت روش مقاله و تحقیق تلفیقی از کتابخانه ای و تلخیصی می باشد

که از چند بخش تشکیل شده است

۱- روایت اصلی که اهل سنت به آن استدلال کرده اند

۲- علت و اهمیت پرداختن به بحث در مورد روایت نماز ابوبکر به جای رسول خدا

۳- چگونگی روایت در کلام بخاری

۴- چگونگی روایت در کلام صحیح مسلم

و....

## بخش اول

### بیان کلی حدیث

### علت بیان حدیث در کلام آیت الله میلانی

یکی از روایاتی که محدثان اهل سنت نقل کرده اند به این مضمون است

آنگاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری افتاد - که به سبب همان بیماری وفات یافت - به ابو بکر دستور داد که به عنوان امام جماعت برای مسلمانان نماز بخواند. و شخص آن حضرت نیز به مسجد رفت و با مردم پشت سر ابو بکر نماز خواند... .

این روایت را محدثان اهل تسنن با متون گوناگونی نقل کرده اند

سوال :

چرا روایت فوق شایسته است که مورد تحقیق و بحث و بررسی قرار بگیرد

جواب :

۱. وابسته به احوالات و سیره مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛

۲. قائلین به خلافت ابو بکر پس از پیامبر، به این روایت تمسک می جویند؛

۳. در احکام شرعی و مسائل اعتقادی از آن بهره می گیرند؛

و مواردی دیگر از این قبیل

بررسی:

۱- این روایت مورد اتفاق همه محدثان اهل سنت است

۲- هیچ کتاب صحیح یا مسند و معجمی نیست که نقل نکرده باشد

توجه داشته باشیم قبل از بررسی خود حدیث

چون در کتب مختلف نقل شده است ناگزیریم اول منابع را بیان و بررسی کنیم

و چون در تمام کتب آمده و در بین اهل سنت کتاب صاحبان صحاح سته و کتاب المسند احمد بن حنبل از نظر متن

کامل تر و از نظر سند قوی تر است به همین کتاب ها اکتفا میکنیم

در این کتابها که بررسی شود از لحاظ جایگاه در کتاب دیگر هم مشخص می شود

بخش دوم

بررسی روایت در کتب اهل سنت

۱- در روایت آقای مالک

در کتاب الموطا ۱/۱۳۶ کتاب نماز جماعت حدیث ۱۸ این گونه آمده است

مالک، از هشام بن عروه نقل می کند که عروه گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بیماری از منزل خارج و وارد مسجد شد. دید ابو بکر ایستاده و مردم به او اقتدا کرده اند. وقتی ابو بکر متوجه شد عقب رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او اشاره کرد که همان جا بمان؛ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار ابو بکر نشست.

ابو بکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند، در حالی که مردم به ابو بکر اقتدا کرده بودند.<sup>۱</sup>

## ۲- در روایت بخاری

آقای بخاری در چندین جای کتاب خود این روایت را آورده است اما به طرق مختلف و با بیانهایی شبیه به هم اما با کمی تفاوت

۱- در کتاب بخاری ۶۳۳ آمده است<sup>۲</sup>

عمر بن حفص بن غیاث، از پدرش، از اعمش، از ابراهیم نقل می کند که اسود گوید: روزی نزد عایشه بودیم و در مورد اهمیت نماز و بزرگداشت آن گفت و گو می کردیم.

عایشه گفت: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار شد - همان بیماری که منجر به وفات آن حضرت شد - وقت نماز فرا رسید و اذان گفته شد. فرمود: به ابو بکر بگویند نماز جماعت را برای مردم به پا دارد

عرض شد: ابو بکر پیرمردی دل نازک است؛ وقتی در جایگاه شما بایستد نمی تواند پیش نماز شود.

پیامبر تکرار کرد و آن ها دوباره همان مطلب را تکرار کردند. آن حضرت برای بار سوم تکرار کرد و فرمود:

إنَّكَ صَوَّاحِبُ يَوْسُفَ! مَرُّوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيَصِلْ بِالنَّاسِ.

شما همچون زنان مصر در عصر یوسف [دنبال خواسته های خودتان] هستید! به ابو بکر بگویند پیش نماز شود.

پس ابو بکر خارج شد و نماز خواند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و در حالی که در حال خمیده به دو نفر تکیه کرده بود، از منزل خارج شد. گویی می دیدم که از درد، پاهایش بر زمین کشیده می شد. [پس از رسیدن آن حضرت به مسجد] ابو بکر خواست که عقب بایستد، پیامبر به او اشاره کرد که همان جا بایست.

سپس حضرت را آوردند تا در کنار ابو بکر نشست.

به اعمش گفته شد: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواند و ابو بکر به او اقتدا کرده بود و مردم به ابو بکر اقتدا کرده بودند؟

اعمش با سرش پاسخ داد: آری

<sup>۱</sup> الموطا ۱/۱۳۶ کتاب نماز جماعت حدیث ۱۸

<sup>۲</sup> کتاب بخاری صفحه ۱/۳۳۶ کتاب جماعت و امامت باب محدودیت حضور بیمار در نماز جماعت حدیث ۶۳۳

البته آقای ابوداؤد طالیسی بخشی از این روایت را از شعبه از اعمش نقل کرده که ابومعاویه می افزاید پیامبر صلی الله علیه و آله سمت چپ ابو بکر نشست و ابو بکر ایستاده نماز می خواند

\*\* حدیث دوم از بخاری

یحیی بن سلیمان، از ابن وهب، از یونس، از ابن شهاب، از حمزه بن عبد الله و وی از پدرش نقل می کند که گوید:<sup>۳</sup> هنگامی که درد رسول خدا صلی الله علیه و آله شدت یافت، درباره نماز با ایشان گفت و گو شد. فرمود: به ابو بکر بگوئید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گفت: ابو بکر مردی دل نازک است

....

### روایت سوم از بخاری

زکریا بن یحیی، از ابن نمیر، از هشام بن عروه، از پدرش نقل می کند که گوید: عایشه به ما گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران بیماریش دستور داد که ابو بکر برای مردم نماز بخواند و او نیز برای مردم نماز می خواند.<sup>۴</sup> عروه گفت: در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و از خانه خارج شد، در حالی که مردم به ابو بکر اقتدا کرده بودند. وقتی ابو بکر پیامبر را دید، عقب رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او اشاره کرد که همان جا بایست.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به موازات ابو بکر و در کنار او نشست. ابو بکر نمازش را با اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خواند و مردم نیز به ابو بکر اقتدا کردند

### روایت چهارم

بخاری در کتاب خودش در ۱/۲۴۰ باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترین حدیث ۶۴۶ روایت کرده که مانند روایت قبلی است فقط در پایان روایت آمده

اسحاق بن نصر، از حسین، از زائده، از عبد الملک بن عمیر، از ابو برده، نقل می کند که ابو موسی گوید

.....

<sup>۳</sup> همان کتاب و ۱/۲۴۱ باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترین حدیث ۶۵۰

<sup>۴</sup> بخاری ۲۴۱ و ۲۴۲ باب کسی که در کنار امام جماعت بایستد حدیث ۶۵۱

در این هنگام شخصی در پی ابو بکر رفت و او را آورد. او در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم نماز خواند<sup>۵</sup>

### روایت پنجم

در این بخش کتاب روایت مانند روایات قبلی است

اما حفصه و عمر هم در این روایت اضافه شده است

عبد الله بن یوسف از مالک، از هشام بن عروه، از پدرش نقل می کند که عایشه، ام المؤمنین، به ما گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران بیماری خود فرمود: به ابو بکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گوید: من گفتم: ابو بکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه او [قرائت را] نمی شنوند! پس به عمر دستور دهید برای مردم نماز بخواند.

عایشه در ادامه می گوید: به حفصه گفتم: به پیامبر بگو که ابو بکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه او [قرائت را] نمی شنوند. پس به عمر دستور دهید که برای مردم نماز بخواند.

حفصه این کار را انجام داد.

در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله [به حفصه] فرمود: ساکت شو! شما همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید. به ابو بکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

در این هنگام بود که حفصه به عایشه گفت: نشد که از تو به من خیری برسد.

### روایت ششم

باز جناب بخاری این روایت را در بخش دیگری از کتاب خودش آورده اما به نقلی دیگر

این گونه آورده است و مطالبی را به نقل قبلی اضافه کرده است

احمد بن یونس، از زائده، از موسی بن ابی عایشه، از عبید الله بن عبد الله بن عتبه نقل می کند که روزی نزد عایشه رفتم و گفتم: آیا از دوران بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر نمی دهی؟

گفت: آری. [هنگامی که بیماری] پیامبر صلی الله علیه و آله شدت یافت، فرمود: آیا مردم نماز خوانده اند؟

عرض کردیم: نه، آن ها منتظر شما هستند.

<sup>۵</sup> همان ۱/۲۴۰ باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند حدیث ۶۴۶

فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید.

عایشه گوید: ما این کار را انجام دادیم؛ سپس پیامبر شست و شو کرد و نزدیک بود که به زمین بیفتد، پس همان لحظه بی هوش شد.

پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده اند؟

عرض کردیم: نه، آن ها منتظر شما هستند ای رسول خدا!

فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید.

آنگاه پیامبر نشست و غسل کرد، و نزدیک بود به زمین بیفتد و بی هوش شد.

پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده اند؟

عرض کردیم: نه، منتظر شما هستند ای رسول خدا! مردم نیز برای خواندن نماز عشاء، در مسجد، در انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله به سر می بردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را به دنبال ابو بکر فرستاد تا برای مردم نماز بخواند. آن شخص دنبال او رفت و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که تو برای مردم نماز بخوانی.

ابو بکر که مردی رقیق القلب بود گفت: ای عمر! تو برای مردم نماز بخوان.

عمر پاسخ داد: تو به این کار شایسته تری.

در نتیجه آن روزها ابو بکر برای مردم نماز می خواند.

پس از مدتی پیامبر صلی الله علیه و آله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و برای نماز ظهر در حالی که بین دو مرد - که یکی از آن ها عباس بود - تکیه کرده بود از خانه خارج شد و ابو بکر برای مردم نماز می خواند. وقتی ابو بکر پیامبر را دید، خواست که عقب بایستد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او اشاره کرد که عقب نرود.

سپس به آن دو مرد فرمود: مرا کنار او بنشانید.

آن ها پیامبر را کنار ابو بکر نشانند.

راوی گوید: ابو بکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند و مردم نیز به ابو بکر اقتدا کرده بودند، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود.

عبید الله گوید: من نزد عبد الله بن عباس رفتم و به او گفتم: آیا مطالبی را که عایشه درباره بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفت، به تو باز نگویم؟



گفت: بگو.

من ماجرا را به او عرضه داشتم. او چیزی از آن مطالب را انکار نکرد، جز این که گفت: آیا عایشه نام مردی را که با عباس بود به تو گفت؟

گفتم: نه.

گفت: او علی بود.<sup>۶</sup>

### روایت هفتم

که مانند روایات قبل است با این تفاوت اندک که

۱- ابوبکر عقب تر از پیامبر ایستاد

۲- ابوبکر صدای تکبیر را به مردم می رساند

اما روایت :

مسدد از عبد الله بن داوود، از اعمش، از ابراهیم، از اسود، نقل می کند که عایشه گوید:

وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله بیمار شد - همان بیماری که به سبب آن وفات یافت - بلال آمد تا ایشان را از وقت نماز آگاه سازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به ابو بکر بگوئید نماز بخواند.

گفتم: ابو بکر مردی دل نازک است؛ اگر در جایگاه شما بایستد گریه اش می گیرد و قادر به قرائت نخواهد بود.

فرمود: به ابو بکر بگوئید نماز بخواند.

من باز همان پاسخ را تکرار کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله برای بار سوم و چهارم تکرار کرد و فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید. به ابو بکر بگوئید نماز بخواند.

در نتیجه ابو بکر نماز خواند.

پیامبر صلی الله علیه و آله با قامتی خمیده و در حالی که به دو نفر تکیه کرده بود از منزل خارج شد. گویی می دیدم که پاهایش بر زمین کشیده می شد. وقتی ابو بکر او را دید به عقب رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او اشاره

<sup>۶</sup> صحیح بخاری ۱/۲۴۳ و ۲۴۴ حدیث ۶۵۵

کرد که نماز بخوان. ابو بکر عقب ایستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله کنارش نشست و ابو بکر صدای تکبیر را به مردم می رساند<sup>۷</sup>

### روایت هشتم

باز بخاری در کتاب صحیح بخاری در ۱/۲۵۱ و ۲۵۲ حدیث ۶۸۱ نیز مانند روایات قبلی آورده که میتوانید به منبع مطالعه کنید

### روایت نهم

این روایت در کتاب صحیح بخاری آمده اما در آن فقط آمده که ابوبکر در زمان پیامبر نماز خوانده و پیامبر در جماعت نبوده

بخاری در بخش شایستگی اهل علم و فضل به پیش نمازی می نویسد:

ابو الیمان، از شعیب، از زهری، از انس بن مالک انصاری - که خدمتگزار پیامبر و از اصحاب ایشان بود - این گونه نقل می کند:

ابو بکر در دوران بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله - که به سبب آن حضرتش وفات یافت - برای مردم نماز می خواند. روز دوشنبه بود که مردم برای ادای نماز صف بسته بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله پرده اتاق را کنار زد و در حالی که ایستاده بود به ما نگاه می کرد. گویی صورت آن حضرت را می دیدم که [در رنگ پریدگی] به رنگ کاغذ قرآن بود. او تبسم کرد و خندید. نزدیک بود ما از خوشحالی دیدن پیامبر مفتون شویم.

ابو بکر به عقب برگشت تا به صف بیوندد و گمان کرد که پیامبر برای نماز بیرون می آید. پیامبر صلی الله علیه و آله به ما اشاره کرد که نمازتان را تمام کنید؛ آنگاه پرده را انداخت و در همان روز وفات یافت.<sup>۸</sup>

آخرین روایتی که در این مورد در کتاب بخاری آمده است حدیث ۶۴۹ باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند آمده

که ابو معمر، از عبد الوارث، از عبد العزیز نقل می کند که انس گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز از خانه بیرون نیامد. نماز برپا شد ابو بکر خواست جلو بایستد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پرده را کنار بزنند؛ وقتی که چهره پیامبر صلی الله علیه و آله پدیدار شد، ما تا آن زمان منظره ای

<sup>۷</sup> صحیح بخاری: ۱ / ۲۵۱، باب کسی که صدای تکبیر را به گوش مردم می رساند، حدیث ۶۸۰

<sup>۸</sup> در صحیح بخاری ۱/۲۴۰ حدیث ۶۴۸

عجیب تر از چهره پیامبر ندیده بودیم. پیامبر صلی الله علیه و آله با دستش به ابو بکر اشاره کرد که جلو بایستد. آنگاه حضرت پرده را انداخت و دیگر توان اقامه نماز جماعت را نداشت تا از دنیا رفت<sup>۹</sup>

### بیان این حدیث در کتاب صحیح مسلم

در کتاب صحیح مسلم نیز مانند کتاب صحیح بخاری و تقریباً به همان شکل در چند جا آمده است که البته چون منبع ذکر نشده بود بیانش بدون ذکر منبع فکر نکنم جالب باشد.

فقط یک مورد را نقل می کنیم

آقای مسلم بن حجاج نیشابوری در ، کتاب نماز، باب جانشین امام جماعت به هنگام معذور بودن او

نقل می کند

ابو بکر بن ابی شیبیه، از حسین بن علی، از زائده، از عبد الملک بن عمیر، از ابو برده نقل می کند که ابو موسی گوید:<sup>۱۰</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار شدند... تا پایان روایتی که پیش تر از بخاری نقل شد

حال این مورد را در چند کتاب دیگر اهل سنت هم بررسی می کنیم

### اول در صحیح ترمذی

این گونه نقل می کند

اسحاق بن موسی انصاری از معن (بن عیسی)، از مالک بن انس، از هشام بن عروه، از پدرش نقل می کند که عایشه گوید:<sup>۱۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به ابو بکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گفت: ای رسول خدا! اگر ابو بکر در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه او [قرائت را] نمی شنوند. به عمر دستور دهید برای مردم نماز بخواند.

<sup>۹</sup> در صحیح بخاری حدیث ۶۴۹ باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند

<sup>۱۰</sup> صحیح مسلم: ۱ / ۳۹۳ - ۴۰۰، کتاب نماز، باب جانشین امام جماعت به هنگام معذور بودن او

<sup>۱۱</sup> صحیح ترمذی: ۵ / ۳۷۹، کتاب مناقب، باب مناقب مشترک ابو بکر و عمر، حدیث ۳۶۹۲.

عایشه گوید: به حفصه گفتم: به او بگو که ابو بکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه او [قرائت را] نمی شنوند؛ از این رو به عمر دستور دهید برای مردم پیش نماز شود. حفصه این کار را انجام داد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید. به ابو بکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

حفصه به عایشه گفت: هرگز از تو خیری به من نرسید.

ابو عیسی گوید: این حدیث صحیح و معتبر است

ترمذی این روایت را در همین بخش، از عبد الله بن مسعود، ابو موسی، ابن عباس، سالم بن عبید و عبد الله بن زمعه نقل می کند.

### دوم در کتاب سنن ابوداود

که در این کتاب کمی متفاوت با کتب دیگر است و در دو مورد آمده است

چون مورد اول منبعش نبود جهت اطمینان تا حصول منبع ذکر نمی شود

### اما مورد دوم

احمد بن صالح، از ابن ابی فدیك، از موسی بن یعقوب، از عبد الله بن اسحاق، از ابن شهاب، از عبید الله بن عبد الله بن عتبّه نقل می کند که عبد الله بن زمعه گوید:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله صدای عمر را شنید، پیامبر سر خود را از اتاق بیرون آورد؛ سپس با خشم فرمود: نه، نه، باید ابن ابی قحافه برای مردم نماز بخواند<sup>۱۲</sup>

### سوم در کتاب سنن نسایی

در این کتاب نیز مواردی آمده که مانند بخاری است که فقط جهت مشاهده روایت آدرس ها ذکر می شود تا خود دوستان مراجعه کنند

۱- سنن نسائی: ۲ / ۴۳۵ - ۴۳۶، حدیث ۸۳۳

۲- همان: ۴۳۴ و ۴۳۵، حدیث ۸۳۲

۳- سنن نسائی: ۲ / ۴۱۳، باب اقتدای امام به رعیت خود، حدیث ۷۸۴

<sup>۱۲</sup> سنن ابو داود: ۳ / ۲۲۰ - ۲۲۱، کتاب سنت، باب خلافت ابو بکر، حدیث ۴۶۶۰ و ۴۶۶۱

۴- سنن نسائی: ۲ / ۴۱۴، باب اقتدای امام به رعیت خود، حدیث ۷۸۵.

۵- همان: ۴۰۹، باب امامت اهل علم و فضل، حدیث ۷۷۶.

۶- سنن نسائی: ۲ / ۴۱۸، باب اقتدا به امامی که به دیگری اقتدا کرده است

### منابع :

۱- اصبحی . مالک . موطأ . دار احیاء التراث العربی . بیروت - لبنان . ۱۴۰۶ ه ق

بخاری • محمد بن إسماعیل . صحیح بخاری . المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر . دار طوق النجاة . بیروت . ۱۴۲۲ .  
چاپ اول

-۲

نسائی . احمد بن شعیب . سنن نسائی . مکتب المطبوعات الإسلامیة . حلب . چاپ دوم . ۱۴۰۶

۳- نیشابوری . مسلم . صحیح مسلم . دار إحياء التراث العربی . بیروت . بی تا